هو الله تعالی شأنه العزیز

رساله
تفتیش از مضرات
ریش تراشی است از تصنیفات
حضرت العلامة المصلح الشهیر
السید محمد علی الشهرستانی
(هبة الدین) دامت
افاضاته

(نجف اشرف)
(در مطبعه مبارکه علویه بزیور طبع آراسته گردید)
بتاریخ ۸ شهر ذیحجة الحرام سنه ۱۳۴۰ هج

تماثیل صلحاء و مصلحان در اروپا و آسیا و امریکا شاهد اینمدعا و تراجم و شمایل انها در مطبوعات وغیرها کواه راستی این سخن است نخستین چند مقاله را کذارش و نکارش داده برای روشنی افکار و توجه انظار سپس بمقصود ختم کلام خواهیم نمود

{ مقاله اولی } مؤلف کتاب { تاریخ امریکا } سجعان مارونی نصرانی در صفحهٔ یکصد و شصتم کتابش باین عبارت کفته

(وبعضهم یکرهون اللحی مع ان اعتبارها اولی فقد قال النطاسی الشهیر الدکتور « فیکتو رجورج » ان اللحیة لها نفع عظیم فانها تحفظ الفم وتمنع عنه الرطوبة وتقی الاسنان والغدد اللعابیه « ثم قال سجعان وقال غیره » انهم حلقوا مرة لحی جمیع مستخدمی السکک الحدیدیه فی ایام الشتاء فحصل لاکثرهم وجع ونخر فی الاضراس والاسنان وورم فی الغدد اللعابیة «قال سجعان» ووصف

(تفتیش)

(از مضرات تراشیدن ریش)

(تألیف خادم عـلم و دین محمـد علی)

(الشهرستانی هبـة)

(الدین)

بسم الله الرّحمن الرّحیم

[امابعد الحمد والصلوة] بدانکه قبح عادت ریش تراشیدن را میتوان امروزه بخوبی ظاهر ساخت حتی بر کسانیکه مقلدان فرنکیان واز ضعف نفس مجذوب عادات اقویاء واشرارند چه اینکه دانشمندان اروپا واعاظم واشراف انها هنوز دامن شرافت خود را آلوده باین عادت نموده اند صور پادشاهان وهیاکل حکماء ودانشمندان و

نموده‌اند برای جستجوی از سیاح مشهور
« فرنکلین » پس دران یخچالها وهواهای سوز
وزمینهای سردسیر قطب خیلی سرمای سوزناك
برانها شدید شد ولی هیچ یك مبتلا بمرضی نشدند
بدینجهة که موهای سر وریش میپوشانید روی
انهارا ودور میکرد سوز سردیرا از حلق وکلو
یشان سپس چون بر کشتند بسرزمین انکلستان
که نسبة بجایهای قطب کرمسیر وقشلاق میباشد
پس تمامی انها ریشهای انبوهی خودرا تراشیدند
فوری یکهفته نکذشته تمامی انها مریض وبیمار
شدند بسبب چایش استخوانهای کلو واعضای
حلق ودهان

نصار ایند در مجله مشتهره معتبره { المقتطف }
{ سنه ۱۹۰۸ } م بصفحهٔ پانصد وسی وهشتم
چنین مینکارند

ان لشعر الشوارب واللحی فائد کبیرة فی منع دقایق الغبار من دخول الانف والفم وفی منع الهوآء البارد من تبرید الحلق وروی ان النوتیة الذین ذهبوا للتفتیش عن الزحالة فرنکلین فی جهات القطب الشمالی اشتد علیهم البرد القارس ولکنهم لم یصابوا بمکروه لان الشعر کان یغطی وجوههم فیدراء عنها البرد ثم لما عادوا الی انکلترا حلقوا هذا الشعر فلم یمض اسبوع حتی مرضوا کلهم الخ

ترجمهٔ این فقرات این استت که بتحقیق از برای موهای ریش وسبیل فائده های بزرك است اولا در منع از رسیدن ریزهای غبار بحلق از راه بینی ودهان وثانیا در منع از رسیدن هوای سرد باطراف کلو وحلق وروایت شده که ناخدایان وکشتیبانان فرنك که بسوی قطب شمال سفر

سرایت ناخوشیهای سخت ومظهر زشتیهای
خلقت وسبب چایش استحوانهای چهره وکلو
ومرضهای اعضای حلق وفکین میشود وهم
باعث امراض زکامی ورشحی ولقوه ودرد
دندان ونخراسنان واورام غددلعابیه وغیران
میکردد چنانچه دانستی که عادت رهاساختن
ریش مایهٔ محافظت دهان وقوت تکلم وفصاحة
کفتار ومانع رطوبات زائده حلق و حافظ
وظائف غده های لعابی میباشد وهم سبب
قوة و محافظت استخوانهای چهره واعضای
کلو ودهان وکرم نکاهداشتن انهااست ونیز
مانع است از رسیدن غبار نرم وهواهای سرد

زیبائیها وخوبی‌هارا جلوه‌ونمایش داده‌اند
ونیز مجله « المقتبس » مطبوعه‌دمشق درمجلد
ششم صفحه‌صدوچهل‌وچهار اثبات نموده که
تیغهای‌ریش تراشان ناقل امراض وباعث
سرایت دردهااست بچهره‌وصورت مردان
تندرست که‌عادت بتراشیدن ریش نموده‌اند
{ تمهید } هرگاه کسی‌ازروی‌دانش وانصاف
درمؤلفات ومطبوعات تازه‌وکهنه‌آسیاواروپا
نظرواندیشه نماید مقالات بی‌اندازه خواهد
یافت‌درزشتیهای‌عادت‌ریش تراشی‌وخوبیهای
رها نمودن‌ریش چنانچه پاره واندکی ازانرا
بعرض‌رسانیدیم ودانستیکه ریش‌تراشی مایه

پس هرگاه ریش داشتن موافق اصل خلقت
وحالت طبیعی مردان بوده باید نگریست که
عادت ریش تراشیرا شاید دانشوران وحکیمان
ومصلحان زمان برای مصلحة ومنفعت مردمان
رواج داده باشند { حاشا وکلا چنین نیست }
بلکه عموم دانشوران عالم قولاً وعملاً مخالف
عادت ریش تراشی بوده‌اند وجمیع حکیمان از
قدیم وجدید تازه وکهنه همه این عادت را مضر
بشر خوانده وریش داشتن را مایهٔ همه قسم
منفعت وخوبی دانسته‌اند چنانچه از مقالات
سابقه واز مقاله «نورژامریکان رویو» بقلم حکیم
فرانسوی معلوم میشود ومجله { الهلال }

وناساز میشود بسوراخهای بینی ودهان

پس بدقت تمام بایستی نگریست که این عادة ضررناك از چه برخواسته وازکجاامده است ؟ آیا از بدو خلقت وفرمان فطرت بوده است که انسان اصلا ریشدار نبوده واین مویهای عارض عارضی است نه طبیعی { حاشا وکلا چنین نیست } بلکه شریعت وطبیعت وتاریخ همه متفق است براین که انسان اول وادم ابی البشر وپدران ونیاکان آدمیان همه ریشدار بوده چنانچه حدیث خلقت آدم وخلقت ریش را برای زینت وهیبت او مؤید این بیان وآیهٔ شریفه { یاابن ام لاتأخذ بلحیتی } شاهد این سخنان است

خواجه کی یا کم موئی یا کوسه بودن سپس

بزرکان دیکر وسایر مردمان علی العمیاء تقلید

ایشان نمایند وتشبهاً هم شکل انها شوند

خلق را تقلید شان بر باد داد

ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

چنانچه مجله المقتطف در صفحهٔ ٥٠٩ پانصد ونهم

از سنه ١٩١١ میلادی تصریح نموده که

ولما جلس لویس الثالث عشر علی عرش فرانسا وکان فتی لا لحیة له

اقتدی به ولر رجال بلاطه فحلقوا الحاهم وشواربهم وحدث

مثل ذلك فی اسبانیا فی عهد الملك فلیب الخامس الخ

وترجمه اش اینکه همینکه لوی سیزدهم پادشاه

فرنك نشست بر تخت پادشاهی ملك فرانسه

وحال این که پسری بود بی ریش سپس مردان

مطبوعهٔ مصر درجزء پنجم از سنه ۱۳۲۶ هجری

انرا ترجمه نموده است

پس بایست نکریست که این عادت با اینکه مخالف

طبیعت ومخالف شریعت ومخالف صحت است

چکونه رواج یافته انچه راازمطالعهٔ احوال عالم

یافته ایم این استکه این عادت غالباً ازدو جهت

طلوع مینماید یعنی درمردمان ساده لوح واقوام

منزویه « اول » ملاحظهٔ میل زنان یعنی مردانی

که بسیار هواخواه زنانند برای همصورتی زنان

ودختران خودراهم شکل انها بسازند علی العمیاء

ورفقای انها تقلید ایشان را نمایند « دوم » عیبی

که درموهای عارض بزرکان مانند بیموئی و

تاجدار را محاسن انبوه رسائی بود عموم اهل درخانه و صاحب منصبان شر اریشهای بلند خوش شمایلی بود ودر انعهد عادت مضره ریش تراشی در ایران قریب العدم بلکه متروك شده بود پس ازشکست روسیان بایران ومداخلا نشان تجدید این عادت و ترویج ان شد بلی که همه گاهی ظهور این عادت زشت بتغییر تقلید میشود یعنی بملاحظه یکفایده خصوصی یامرفتی که عمومیت ان باز بتقلید میشود چنانچه درمجله { المقتطف } جزءماد { ی } ازسال ١٩١١ میلاد نوشته است که

ان عادة حلق اللحية اجراه الاسكندر المكدونی علی جنوده لکی

وزارت ودرگاه واهل دیاراو تقلید وپیروی
اورانمود برای خوشایند وهم شکلی او ریشها
وسبیلهای خودشانرا تراشیدند ومانند اینحال
وحادثه در مملکت اسپانیا صورت گرفت در
زمان پادشاهی فلیپ پنجمین که بی ریش بود
وبرخیرا گمان است که ریش تراشی مردم ایران
هم تقلید انهااست ازحکام وسلاطین وامیرانی
که برانها سروری داشتند وانهاازقضای صدفه
واتفاق خواجه یاطفل یازنان یا کوسه بودند
وشاهداین مقال مثل مشهور { الناس علی دین
ملوکهم } وهم تجربه این است که در نزد خاقان
مغفور فتحعلی شاه قاجار چون این پادشاه

بحرام بودن سودخوردن وبرطيل گرفتن وجادوگری وقماربازی وریش تراشی وخوردن ماهیان بی پولك واین مسئله را مسلم نزدهر مسلم ومحقق نزدهر محقق وعالم یافته ام چه از جماعت اهل سنت وچه ازطائفۀ زیدیه وچه از داخله خوارج همه راسیره واجماع قولا وعملا برحرمت ریش تراشی است

اما احادیث شریفه دراین مقام بسیار هست ولی بقصد اختصار برهشت خبر معتبر اقتصار مینمایم وگفتگوهائیکه درقوت سند یادلالة بین انهااست حواله بکتاب « اصفی المشارب » مینمایم [حدیث اول] درصحیح « اصول کافی »

لا يمسكهم العدو بلحاهم واقتبسه الرومان سنة ٣٠٠ ثم تركوه فی عهد هدريانس ثم عادوا اليه فی عهد قسطنطين الكبير ثم ادخل ذلك بطرس الاكبر الی روسيا

فرمان شريعت وقانون اسلام

علمای اعلام ورؤسای مذاهب اسلام همه متفق واجماع محقق دارند که تراشيدن ريش درشرع اقدس اسلام ممنوع وحرام است واين مطلب را در کتاب ﴿ اصفی المشارب ﴾ وغير ان ثابت نموده ام وشيخ بهائی که اجل فلاسفه انام وشيخ الاسلام ومرضی خاص وعام بود. دررساله ﴿ عقايد الشيعة ﴾ تصريح فرموده

تحريم الربا والرشوه والسحر والقمار وحلق اللحية واكل السمك الذی لا فلس له الخ

وترجمه اش اينکه ما جماعت شيعه ميکوئيم

بر عمل قبیح که حرمتش خیلی شدید باشد

[حدیث دویم] خبر صحیحی است که باسنادهای متعدد محدث عاملی رضی الله عنه در کتاب الوسایل روایت نموده از حضرت امام رضا واز پدرش حضرت امام موسی کاظم علیهما السلام که درجواب گرفتن از ریش میفرماید

(امامن عارضیه فلا بأس وامامن مقدمها فلا یأخذ)

خلاصهٔ مضمونش اینکه گرفتن ریش از رخساره باکی ندارد ولی گرفتن از ریش وجلو آنرا نکنند وبی شك ظاهر از نهی حرمت ومنع است وکسی قبل از بنده باین خبر استدلال نموده

[حدیث سیم] خبر معتبریستکه شیخ صدوق

ثقة الاسلام کلینی بسندها از حبابه والبیه روایت نموده که

رأیت امیر المؤمنین علیه السلام فی شرطة الخمیس ومعه درة لها سبابتان یضرب بها بیاع الجری والمارماهی والزمار و یقول لهم یا بیاعی مسوخ بنی اسرائیل وجند بنی مروان قالت فقام الیه رجل یقال له فرات بن الاحنف فقال یا امیر المؤمنین وما جند بنی مروان فقال علیه السلام اقوام حلقوا اللحی وفتلوا الشوارب فمسخوا

وخلاصهٔ مضمون این حدیث این استکه حضرت امیر مؤمنان بخشم و غضب میزدی فروشندکان مارماهیرا و میفرمود کروهی از بنی اسرائیل ریشهای خود تراشیدند و سبیلها کلفت پرورانیدند و مسخ شدند و محدث بحرانی در حدائق فرمود که این خبر دلیل حرمت ریش تراشی است چه اینکه مسخ واقع نمیشود مکر

علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود

(حلق اللحیه من المثله ومن مثل فعلیه لعنة الله) .

« خلاصه مضمونش » اینکه تراشیدن ریش قسمی است از مثله وناقص نمودن انسان وهرکس ناقص کند بدن آدمیرا پس براو است لعنت خداوند وظاهر این لعنت شامل تراشنده ریش است چه آمر باشد وچه مباشر

{ حدیث پنجم } خبریست مانند خبر گذشته بسند شهید است از « جعفریات » از امام صادق « ع » از جدش پیغمبر « ص » که امر فرمو بترجیل لحیه یعنی رها کردن ریش وقاضی نعمان

در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت نموده
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که فرمود
احفوا الشوارب واعفوا اللحی ولا تشبهوا بالیهود
« خلاصه مضمونش » اینکه سبیلها را بر چینید
وریشها را رها کنید ولی نه بحدیکه شبیه یهودان
شوید در بلندی ریش واین خبر را علمای فرق
ومذاهب اسلام عموما راویت نموده اند چنانچه
در کتاب « فیض الساحل » تواتر آنرا اثبات
نموده ام وحکمت احکام اش را عنقریب خواهیم
گفت [حدیث چهارم] خبر صحیحی است که
بسند شیخ شمس الدین شهید اول از کتاب
« جعفریات » از حضرت امام جعفر صادق

مندرج است [حدیث هفتم] خبریستکه محدث اجل محمد ابن ابی جمهور در کتاب ـ غوالی اللیالی ـ و ـ مجلی ـ از جابر انصاری روایت نموده و نیز غیر از او هم روایتش کرده که حضرت پیغمبر « ص » فرمود « لیس منا من حلق » از جماعة ما نیست کسیکه بتراشد یعنی ریش را [حدیث هشتم] خبریستکه شیخ نوری رضی الله عنه از کتاب « منتق » روایت نموده که در سال ششم هجرت پیغمبر ص که کسری پادشاه عجم دو کس بخدمت رسالة پناهی فرستاده.

(وکانا اذا دخلا علی رسول الله (ص) قد حلقا لحاهما واعفیا

مصری نیز در کتاب « دعایم الاسلام » بسند خود از رسول خدا « ص » همین خبر را روایت نموده است [حدیث ششم] خبر یستکه محدث نوری رضی الله عنه در « مستدرکات » از حضرة امام حسن « ع » روایت کرده که رسول خدا « ص » فرمود

(عشر خصال عملها قوم لوط بها هلکوا و تزیدها امتی بخلة اتیان الرجل الی ان قال وقص اللحیة وطول الشارب الخ)

خلاصة مضمونش اینکه « ده کار است که قوم لوط کردند و تباه شدند نخست پسرانرا لواطه کردن و ششم ریش را ارته بریدن و هفتم سبیلها را دراز ساختن » وتفصیل این خبر در ـ جامع صغیر ـ سیوطی و کتاب ـ ابن عساکر ـ

کشتی فکر واندیشه‌را بساحل مقصود
و میفهماند قباحت وزشتی این عادت را نزد
ارباب عقول و مینماید شدة حرمة ومبغوضیت
انرا نزد خدا ورسول ص پس چکونه انسان
عاقل و مردان کامل هوای نفس وشیطان
رجس را متابعت نموده کمراه می‌شوند وباتیغ
هرزه دم چهره مردانه خودرا بسان رخسار
زنان بی محاسن مینماید

تنبیه

یظهر من مجموع هذه الاحادیث الشرعیة لاسیما من الخبر الاخیر
ومن خبر الصدوق حرمة حلق اللحیة والنهی عن تطویل الشارب
واطالة اللحیة وحکمة هذه الاحکام الثلاث فیما احسبه ظاهرة
اما حرمة حلق اللحیة فلأن وجود الشعر حوال الکفین

شؤاربهما فكره (ص) النظر اليهما وقال ويلكما من امركما بهذا قالا امرنا بهذا ربنا يعنيان كسرى فقال (ص) لكن ربي امرني باعفاء لحيتي وقص شاربي الخ

«خلاصه مضمونش» اینکه «فرستادگان کسری باریش تراشیده وسبیلهای آویزان داخل برحضرت شده انبزرگوار را خوش نیامد که بایشان نگاهی کند وازروی غضب بانها فرمود وای برشما! کدام کس شمارا امر باین عمل فرموده عرض کردند خداوندما یعنی کسری پس انبزرگوار فرمود ولی خداوندمن» مرا امر فرمود برهاساختن ریش وچیدن سبیل تفکر دراین مضامین لطیفه طرفه رهنمائی است برای انسان باوجدان وایمان که بخوبی میرساند

« خلاصه » این استکه مفهوم از احادیث منقوله خصوصاً خبر اخیر وخبر شیخ صدوق منع شرع مطاع است از تراشیدن ریش وهم از بلند گذاشتن آنست باسبیل وحکمت این سه حکم محکم ظاهر است اما گذاشتن موی ریش چونکه محافظت مینماید حرارت استخوانهای صورت وگلو را تا بخوبی بتوانند این اعضاء وظائف واعمال خود در انجا آورند برای فرو بردن طعام وادای کلام ونگاهداری قوای غریزیه وغدد لعابیه ورفع نزولات دماغیة ومحافظت صحت دندان وامثال ان

اما کم وکوتاه کردن ریش واصلاح وتنظیف ان

والعارضين يحفظ شطراً كبيراً من الحرارة والابخرة لمنافعها ومحافظة قواها لأدآء وظائفها حال المضغ والابتلاع وتقوى ادوات الحلق والغدد اللعابية لتحسين الكلام وتسويغ الطعام ومنع الاعراض الزكامية والامراض الرشحية ودفع التشنج واللقوة ومنع نخر الاسنان وتقوية اللسان وغير ذلك

واما حسن التحسين واصلاح اللحية المرسلة بلا تسريح وبلا اصلاح فلأن اللحية تجذب من رطوبات الدماغ كمية وافرة وافية لترطيب اصول الشعر وسوقه واستدعاء انابيبها علاوة على انها تختزن فيها الدقائق السمية واجزآء الغبار والاعلاق والميكروبات الناتكة غير امامونة الضرر من سرايتها الى جوف صاحبها فامر الشرع الاسلامى بتخفيف شعر اللحية واصلاحها وسرحها بالمشط والطيب وغسلها كل يوم للجمع بين فوائد اصل وجودها وبين دفع اضرار كثافتها

واما النهى عن تطويل الشارب فقد وجد الاطبآء فى شعر الشوارب المرسلة مستعمرات من الميكروبات القتالة ومخازن للذرات السامة ومجامع للحيوانات وباشلس السل وميكروب الدفتريا ومواد العفونات سيما فى المدخنين بحيث تجعلها اكبر وسيلة واقرب آلة لنقل الضرر وعدوى الامراض اما الى جوف صاحبها عند تنفسه وحال اكله وشربه واما الى مصاحبه حال التقبيل او النجوى فتصبح مراسم العيش والتحبب وسايل الامراض والهلاك

واماچیدن سبیل وبرچیدن شوارب پس
بهمین ملاحظه که ازآلوده کی انها بخوراکی و
چربی وآشامیدنی همار ه بجمع کثافات ومیکوبهای
مسموم میشود وضرراجتماع این مواد سمیه
درسبیل خیلی زیادتراست ازضرراجتماع انها
درموی ریش چونکه دراندرون ریش دور
است ازدهان وبینی ولی درسبیل مجاوربینی
ودهان است وبوسیله نفس دائمی یااکل وشرب
فوراً ذرات مسمومه ومیکروبهای امراض
سرایت بجوف واندرون آدمی نموده باعث
امراض مهلکه میشود خصوصاً نسبت بدل
وشش وآلات تنفس ویامعده وسینه وکبد

چون نسکه دانه های موی جذب رطوبات از دماغ
ومغز سر مینماید پس همینکه ریش انبوه و بزرك
شود دماغ عاجز از آبیاری انهمه موهای دراز
وزیاد میشود بعلاوه اینکه در ریشهای انبوه
و دراز انجمن میکروبهای امراض و وطن
اجزای مسمومه ومخزن غبار و کثافات ومعدن
چربی وچرکی میباشد لذا شرع مقدس اسلام
فرموده است که زود بزود موهای ریشرا کم
وکوتاه سازند وهر روزه اش شانه وشست
وشوی نمایند وعطریاتش زده خوشبویش
بدارند تا این که بفوائد وجود اصل ریش نائل
واز ضرر بلندی وکثافت ان مصون ومامون بمانند

وحق شناسی اسلام سرود نمایند { زنده و پاینده باد قانون اسلام }

تتمه در نصایح

کروهی از مردمان پاکیزه منش لطیف وش نظافت مآب هستند که عار عادت ریش تراشیرا بخود کرفته اند بقصد اینکه موهای ریش و محاسن رویشان مجمع کثافت و الوده بچرکی نشود عجب است که اینها سبیلهای خودرا کلفت و بلند و لب و دهانرا مستور مینمایند غافل از اینکه چرکی و کثافت و چربی و رطوبت و ذرّات غباری و کرمهای ریزه ذره بینی در سبیلها بیشتر انجمن مینماید در کشش تنفس و از میانه

از خوراك وطبیبان فرنك درسیلهای بلند
خصوصاً از کسانی که دخانیات میکشند کثافاتی
ومواد متعفنه یافته‌اند که درانها مملکتهای
میکروبها فاسدوانجمنهائی ازحیوانات ذره بینی
بوده ودسته‌هائی از باشلس مرض سل
ومیکروب ناخوشی دفتیربا وغیرها دیده‌اند
که بعلاوه انتقال انها باندرون صاحبشان هنکام
تنفس یاطعام سرایت هم برفقایش مینمایند
هنکام بوسیدن وبوئیدن یاراز کوئی وهم سخن
شنیدن

سپس این مراسم دوسی منقلب میشود باسباب
فناوتباه‌شدن پس مسلمانانراسزدکه بپاسیداری

عجبا طبیعت را تقدیس وتصویب کنند ولی
غافلند که در ریش تراشی معصیت انطبیعت
ومخالفت ناموس فطرت را نموده اند بهرجا
صنع طبیعت را انسب وحکم او را صواب وشان
او را ابقای اصلح همی خوانند مکر در روی
زنخ وریش ورخسار حکمش را نافرمانی
وناموسش را تهمت نادانی داده اند این کروه
راست که اندکی بخود ایند اکر کارها بطبیعت کور
وکر سپرده اند پس نبایستی که موهای زنخرا
بتراشند بلکه باسرار طبیعه ان برند واکر رشته
صلاح واصلاح را بقوه عاقله وشرایع کامله
سپرده اند پس نبایستی موهای سبیل را رها

موهاباندرون قلب وريه ومعده وغيرهارا عليل سازد

این کروه هرکاه غرضشان سادکی وپاکیزه کی است از بردن محاسن ریش چرا سبیلها که مخزن اعظم ومجمع اتم کثافات ومیکروبها است انبوه کذاشته اند این کروه یکسر راه ضدیت ومخالفت باحکام محکمه شریعت اسلام را پیموده اند چه اینکه شرع مطاع امر بکوتاه نمودن سبیل ورها کردن ریش را فرموده بعکس کردار اینان کروهی دیکر طرفداران این عادتند ازسادکی وبیخبری مقلدان فرنکیان ودرباریانند وپیروان هواپرستان وطبیعیانند

کرده وریش را از بیخ و بن بتراشند چه اینکه
اسرار فطرت و نوامیس حقیقیه طبیعت را انبیاء
مرسلین و علمای مصلحین بهتر از دیگران واقف
و عارف می باشند

﴿ فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون ﴾

تمام شد ﴿ رساله تفتیش ﴾

از مضرات تراشیدن ریش

از تألیفات حضرة العلامة الاکبر المصلح
العظیم المشتهر فیلسوف الاسلام سید العلماء
الاعلام ﴿ هبة الدین ﴾ محمد علی بن الحسین
الحسینی بالشهیر الشهرستانی عفی عنه

١٣٤٠